

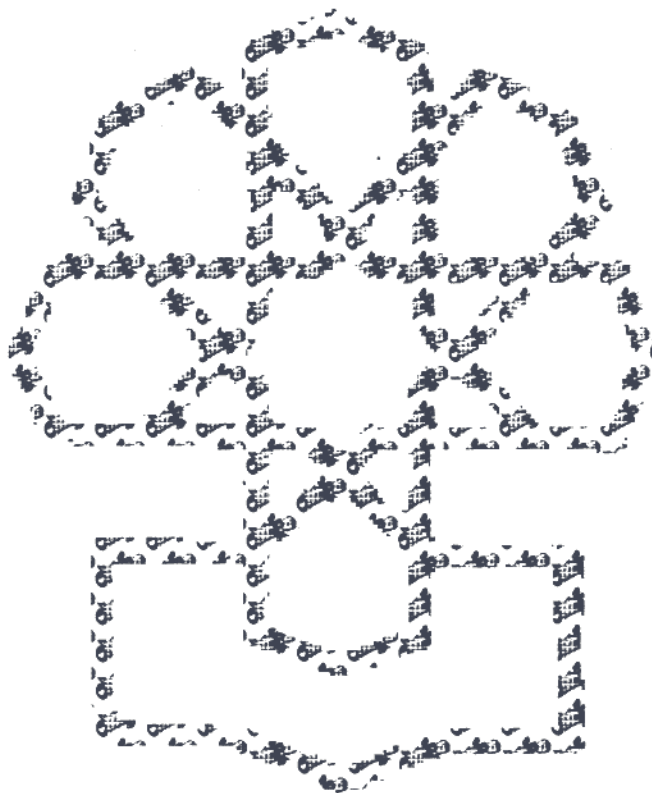
۱۳۴۷



پیرامون انتخابات و نمایندگی مجلس (۵)

جایگاه مجلس در حکومت‌های جهان

(با نگاهی به موقعیت ایران)



معاونت پژوهشی
اردیبهشت ۱۳۷۵

کار: دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی ماری
شماره: ۷۵۹۵
تاریخ: ۷/۱۱/۷۹

کد گزارش: ۳۳۰۱۳۴۳

پیرامون انتخابات و نمایندگی مجلس (۵) جایگاه مجلس در نظامهای دموکراتیک و جایگاه آن در ایران

کد گزارش: ۳۳۰۱۳۴۳

پارلمان که یک واژه فرانسه است و به محلی گفته می‌شود که در آن گفتگو، تأمل، بحث و مشاوره، و بالمال قانون تصویب می‌کنند، از لغت لاتین (parlement) گرفته شده است. مجلس «آلیتنگ ایسلند» نخستین و قدیمیترین پارلمان جهان - به معنای امروزی آن - است. این مجلس در سال ۹۲۵ میلادی تشکیل شد و تا این زمان دوام دارد.^(۱) پس از آن قدیمی‌ترین پارلمان جهان در نیمه دوم قرن سیزدهم و در سال ۱۲۶۵ میلادی در انگلستان شروع به کار کرد.^(۲) می‌توان گفت که سنتهای پارلمانی انگلستان قدیمی‌ترین ریشه‌دارترین سنتهای پارلمانی جهان به شمار می‌رود.

وجود پارلمان در هر کشوری، سمبل (نماد) حاکمیت مردم یا دموکراسی غیر مستقیم می‌باشد. لفظ دموکراسی در اصل در شهرهای یونان باستان پدید آمد و مراد از آن حکومت «دموس» یا «عامه مردم» است، یعنی حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در مورد امور همگانی جامعه. این دموکراسی، «دموکراسی مستقیم» نام دارد. این شکل از حکومت به ویژه در آتن (سده پنجم قبل از میلاد) پدید آمد^(۳) و در آن شهروندان (به جز زنان و بردگان) هنگام اعمال دموکراسی در «اگورا» یا «پنیکس» گرد می‌آمدند و در باب مسائل عمومی به رایزنی و تصمیم‌گیری می‌پرداختند. اجتماع مردم، به عنوان نهاد مقنن و مصوب، حاکمیت سیاسی را مستقیماً اعمال می‌کرد.^(۴)

ولی امروزه تحقق دموکراسی مستقیم یا بی واسطه در کشورهای بزرگ به سبب بالا بودن جمعیت و اشتغال مردم و گرفتاریهای زندگی روزانه‌شان دشوار است و به همین خاطر آنچه در جهان امروز، در پهنه «دولت - ملت»ها به نام دموکراسی شناخته می‌شود، دموکراسی غیر مستقیم یا نمایندگی^(۵) است. یعنی نمایندگانی که در مجلسهای قانونگذاری خواست اکثریت مردم را به اجرا گذارند، ولی با این حال، سویس هنوز از کشورهای کم‌مانندی است که دموکراسی بی واسطه یا مستقیم به گونه‌ای چشمگیر در آن جریان دارد. ولی در دیگر کشورها، دموکراسی مستقیم در موارد استثنایی و به صورت مراجعه به آراء افکار عمومی - که همه پرسی یا فراندن نام دارد - اجرا می‌شود.^(۶) در اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره چنین اعلام شده است:

«در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی، باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

بنابراین می‌توان گفت که رژیم سیاسی مبتنی بر پارلمان، در واقع تجلی بخش اراده ملت و اعمال حاکمیت ملی است و در کشورهایی که با اصول دموکراسی اداره می‌شوند، پارلمان مرکز ثقل سیاست و تصمیم‌گیری درباره مسائل مملکتی است.

در نظام توحیدی اسلام نیز با وجود قوانین جامع و کامل الهی که از وحی سرچشمه می‌گیرد نوعی نهاد قانونگذاری ضروری است. با این تفاوت که، اصول و قواعد کلی قانونی از طریق وحی الهی مشخص و

اصلی قوه مجریه و دیگری برای انتخاب نمایندگان قوه مقننه، این دو قوه، در یک سطح قرار دارند و دارای پشتوانه‌ای مساوی هستند.

از سوی دیگر، هیچکدام از این دو قوه نمی‌تواند دوره کارکرد قوه مقابل را از راه انحلال یا سقوط کوتاه کند، نه حکومت قادر است پارلمان را منحل کند و نه نمایندگان پارلمان توانایی آن را دارند که رئیس جمهوری و وزرای او را از کار برکنار نمایند.

با توجه به توضیحاتی که در ذیل در ارتباط با کنگره ایالات متحده و رابطه این نهاد با قوای دیگر می‌آید به نظر می‌رسد تفکیک مطلق قوا امری محال باشد و باید دو قوه مقننه و مجریه به گونه‌ای با هم در ارتباط قرار گیرند تا کارهای حکومتی - که به هر حال اموری یک پارچه و در ارتباط با یکدیگر می‌باشند - به گونه مطلوبی تمشیت یابند.

با نگاهی گذرا به سابقه نهاد قانونگذاری در ایالات متحده امریکا معلوم می‌گردد که پایه‌های قوه مقننه ایالات متحده در کنفرانس فیلادلفیا و در سال ۱۷۸۷ میلادی بنا گردیده است. در حال حاضر نیز، قوه مقننه فدرال همانند سابق از دو مجلس ترکیب یافته است: مجلس نمایندگان و مجلس سنا که هر دو در مجموع «کنگره» نامیده می‌شوند. مجلس نمایندگان، در حقیقت، نمودار جامعه ملی امریکا، قطع نظر از ایالات عضو می‌باشد. در انتخابات مجلس نمایندگان، هر امریکایی به عنوان شهروند امریکا رأی می‌دهد نه به عنوان عضو فلان ایالت. تعداد نمایندگانی که هر ایالت به مجلس نمایندگان می‌فرستد به نسبت جمعیت آن ایالت می‌باشد.

نمایندگان، با رأی مستقیم مردم و برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. شرط انتخاب شدن داشتن ۲۵ سال تمام و تابعیت امریکا، به مدت هفت سال پیش از انتخابات و اقامت در محل ایالت و حوزه انتخابیه است. اما در مجلس سنا وضع انتخابات به گونه‌ای دیگر است. در این مجلس هر ایالت بدون توجه به جمعیت و مساحت، دارای دو نماینده می‌باشد. قانون اساسی، بدین وسیله خواسته است تا گرایش برابر طلبی ایالات را ارضا کند. سناتورها برای مدت شش سال انتخاب شده و هر دو سال یک بار، یک سوم اعضای سنا تغییر می‌کنند. شرط سناتور شدن داشتن ۳۵ سال تمام و نه سال تابعیت امریکا پیش از انتخاب شدن و اقامت در محل مورد انتخاب است.

در بند ۱ ماده یک قانون اساسی ایالات متحده چنین آمده است:

«اعطای کلیه اختیارات قانونگذاری به کنگره ایالات متحده که از مجلس سنا و نمایندگان تشکیل شده

است تفویض می‌گردد.»^(۸)

هر یک از دو مجلس سنا و نمایندگان، به طور مساوی حق دارند طرح قانونی به تصویب برسانند و برای تأیید به مجلس دیگر ارسال دارند، این تساوی در همه موارد رعایت شده جز در مورد حق ابتکار (طرح) زمینه قوانین مالی و مالیاتی، که حق اخیر منحصراً متعلق به مجلس نمایندگان است.^(۹) البته مجلس سنا اختیار تام دارد که این قبیل طرحها را، که از مجلس نمایندگان برای تصویب به مجلس سنا می‌رسد، تصویب یا رد کند و یا به حیات یک قانون مالی موجود پایان دهد.^(۱۰) قائل شدن این اختیارات برای سنا، تا حدودی، حق انحصاری مجلس نمایندگان را تعدیل می‌کند.

در سایر موارد زیر، قدرت سیاسی بین دو مجلس به طریق زیر توزیع شده است:

الف) در صورتی که هیچ کدام از نامزدهای ریاست جمهوری نتوانند در انتخابات اکثریت آرا را به

دمکراسیهای غربی و به وضوح امریکا نیز دیده نمی‌شود. «لویی بیونس رنجه» عضو فرهنگستان علوم فرانسه، در این باره نوشته است:

«در غرب انتخابات آزاد است ولی زمینه‌سازی تبلیغاتی که پیش از آن می‌شود، مردم را چنان مقهور و مسحور می‌کند که بیشترشان بی اراده رأی می‌دهند. این زمینه‌سازی تبلیغاتی برای انتخابات، جز به دست قدرتهای سیاسی مالی امکان پذیر نیست.»^(۱۴)

ویژگی دیگری که در تبیین جایگاه کنگره در ایالات متحده باید به آن اشاره نمود مصونیت پارلمانی است. مصونیت پارلمانی اساساً پوشش قانونی است برای حفاظت نماینده در برابر تعقیب قضایی یا اعمال پلیسی. این مصونیت ممکن است به ظاهر جنبه تبعیضی یا امتیازی داشته باشد ولی در حقیقت وسیله‌ای است دفاعی برای اینکه نماینده بتواند آزادی خود را برای ادای وظیفه نمایندگی در گفتار، نوشتار و کردار خود حفظ کند. تعرض به نماینده ممکن است از ناحیه قوه مجریه صورت بگیرد و یا از ناحیه افراد، که در هر دو صورت نتیجه یکی خواهد بود. عدم وجود مصونیت سبب می‌شود که نماینده خود را در معرض خطر توطئه‌ها، زمینه‌سازی‌ها و تحریفات ببیند و مجبور بشود که مواظب گفتار و کردار و تصمیمات خود باشد. نماینده مجلس برای اعمال وظایف خود هم باید آزاد باشد و هم مستقل، آزاد تا آنجایی که بدون داشتن ترس از دولت و یا مخالفان خود، آنچه می‌اندیشد، بگوید و آنچه صلاح می‌داند پیشنهاد کند و آنچه با عقاید سیاسی و اجتماعی او سازگار است، در تهیه طرحها یا در اظهار نظر نسبت به لوایح، ابراز دارد. اهمیت اصل استقلال در آن است که نماینده در دوران نمایندگی، تحت قیومیت و تابعیت مقام دیگری به طور مستقیم یا غیر مستقیم نباشد و خود را جز در برابر رأی دهندگان و شهروندان، و به تعبیر وسیعتر، «ملت»، مسؤول نشناسد.

در بند ۶ ماده ۱ قانون اساسی ایالات متحده امریکا آمده است: «سناتورها و نمایندگان را هنگام حضور در جلسه مجلس مربوطه، یا هنگام عزیمت به مجلس یا بازگشت از آن، به هیچ عنوان نمی‌توان بازداشت کرد مگر به علت خیانت و شورش و ارتکاب جرم علیه نظم عمومی، همچنین هیچ یک از آنان را به علت نطق و مذاکره‌ای که در مجلس مربوط کرده باشند در محلی غیر از آن مجلس نمی‌توان استیضاح کرد.»^(۱۵)

ویژگیها و مشخصاتی که در بالا ذکر گردید تا اندازه‌ای جایگاه مجلس در ایالات متحده امریکارا تبیین می‌نماید. با این تبیین در واقع مشخص می‌گردد که مجلس محل تدبیر و تدوین برنامه‌ها و قوانین یک کشور است، محلی است که فقدان آن کشور را در معرض رکود و نابودی قرار می‌دهد. و می‌توان گفت جایگاه آن در یک کشور دمکراتیک، همانند جایگاه فکر در مکانیزم بدن انسان می‌باشد.

پارلمان انگلستان

انگلستان دارای رژیم حکومتی از نوع پارلمانی می‌باشد. این نوع رژیم در حقیقت حاصل تفکیک نسبی قواست. در شیوه تفکیک نسبی قوا، نظر به اینکه حاکمیت ملی از سوی مردم و از رهگذر انتخابات به نمایندگان پارلمان سپرده می‌شود و از طریق پارلمان به دستگاهها و اشخاص کارگزار و سایر قوا مستقل می‌گردد، لذا دستگاههای قوا به یکدیگر وابسته‌اند، یعنی در عین تمایز و تفکیک باید، پاسخگو و مسؤول

مبراست و دومی به طور فردی و دسته جمعی در برابر پارلمان مسؤولیت سیاسی دارد. در برابر این اختیارات پارلمان، برای آنکه اثر گذاری قوه مقننه بر قوه مجریه یک جانبه نباشد و سقوط پیاپی هیأت وزیران توسط پارلمان امکان نیابد به قوه مجریه (یعنی رئیس کشور) حق داده شده که طبق روال معینی پارلمان را منحل نماید.

حال در این قسمت سعی می‌کنیم ساختار پارلمان در سیستم پارلمانی انگلیس را تشریح نماییم. اساساً رژیم پارلمانی زاده تحول حقوق انگلیس است که به تدریج از قرن سیزدهم میلادی آغاز شد و در زمان حاضر به شکل کنونی در حال اجرا و عمل است.

پارلمان کشور انگلیس از دو مجلس تشکیل شده است: مجلس عوام و مجلس لردها، نمایندگان مجلس عوام بر اساس انتخابات سراسری همگانی، مستقیم و مخفی بر اساس نظام اکثریتی و روش تک‌گزینی برگزیده می‌شوند. مجلس لردها یادگار دوران اشرافیت است و وجودش در زمان کنونی فاقد مبنای حقوقی می‌باشد. لازم به ذکر است عنوان لردی امری موروثی یا مادام‌العمر است و این عنوان به آنها حق شرکت و عضویت در مجلس لردها را می‌دهد. علاوه بر لردهای موروثی تعدادی لرد مادام‌العمر نیز توسط مقام سلطنت منصوب می‌شود که آنها نیز به عضویت مجلس یاد شده در می‌آیند.

در آغاز تحول حقوق بریتانیا از رژیم سلطنتی مطلق به سلطنتی محدود، بیشتر اختیارات متعلق به مجلس لردها بود. ولی با ادامه این تحول و پیشرفت دموکراسی و گسترش انتخابات و حقوق مردم در تعیین نمایندگان مجلس عوام، آرام آرام این مجلس به قدرت خود افزود به طوری که با مجلس لردها دارای حقوق برابری شد. اما نظام دو مجلسی برابر طلب بریتانیا دیری به طول نینجامید، و مجلس عوام که تصویر جامعه بریتانیا را منعکس می‌کرد کم‌کم بر مجلس لردها برتری یافت و اساس و پایه واقعی پارلمان انگلیس به شمار آمد. در حال حاضر مجلس لردها اختیارات اندکی دارد و مشارکتش در زمینه قانونگذاری محدود به صدور نظرهای مشورتی شده است.^(۱۹) ولی با این حال مجلس لردها هنوز از ارزش نمادین و معنوی بسیاری برخوردار است.

تشکیلات و حدود صلاحیت مجلس لردها

هر دو مجلس پارلمان همزمان از طرف پادشاه، دعوت به تشکیل اجلاس سالانه می‌شوند و هر دو نیز همزمان تعطیلات رسمی خود را آغاز می‌نمایند. معمولاً حدود ۷۰ تا ۸۰ لرد در هر جلسه مجلس شرکت می‌کنند.

طبق سنت، حضور سه عضو برای رسمیت یافتن جلسه کافی است. ولی برای تصویب لوایح قانونی حضور حداقل ۳۰ نفر الزامی است.

مجلس لردها سه وظیفه و صلاحیت انحصاری دارد:

- ۱- در درجه اول این مجلس یک دادگاه اختصاصی برای محاکمه اشراف انگلیس است.
- ۲- مجلس لردها عالیترین دادگاه رسیدگی تمیزی هم در زمینه‌های حقوقی و هم در زمینه‌های جزایی در انگلستان می‌باشد. در حال حاضر این وظیفه به وسیله ۹ نفر عضو این مجلس که به لردهای حقوقدان معروفند انجام می‌شود.
- ۳- هرگاه مجلس عوام یک مقام عالی رتبه حکومت را متهم به ارتکاب خطایی بنماید، بعد از

۴- طرح سؤال از اعضای کابینه

یکی از اقتدارات بسیار سودمند مجلس عوام حق طرح سؤال از وزیر کابینه می‌باشد. در بریتانیا سؤال نماینده مجلس عوام از وزرا بسیار رایج است و یکی از راههای کنترل حکومت توسط پارلمان می‌باشد.

در ایالات متحده آمریکا چون وزیران در برابر کنگره مسؤولیت ندارند سؤال و استیضاح موضوعیت ندارد و در عوض تحقیق و بررسی به وسیله کمیسیونهای دائمی یا کمیسیونهای فرعی خاص به نام کمیته تحقیق صورت می‌گیرد. در مجلس نمایندگان سه کمیسیون تحقیق عهده‌دار این وظیفه است ولی در سنا هم کمیسیونها اختیار بررسی دارند و از این طریق نوعی نظارت پارلمانی انجام می‌گیرد. کمیسیونهای ویژه تحقیق اختیارات فوق العاده دارند و می‌توانند از همه کسانی که لازم است، اطلاعات کسب کنند و حتی آنها را برای تحقیق جلب کنند. (۲۲)

در شرایط فعلی اقتدارات مجلس عوام تا حد زیادی نسبت به گذشته، کاهش یافته است. منتقدین سیاسی انگلیسی علل تقلیل نفوذ مجلس عوام در امور کشوری را، عواملی مانند ازدیاد قدرت کابینه و تسلطی که این نهاد بر کارهای پارلمانی یافته است، انعطاف ناپذیری مقررات و انضباط حزبی، محدودیت قوه ابداع و ابتکار نمایندگان مجلس، محدودیت آزادی نطق نمایندگان، فقر و یا فقدان دانش فنی و تخصصی نمایندگان، در زمینه‌های متنوع قانونگذاری، و غیره می‌دانند.

ولی با این حال، اصل حاکمیت پارلمان، برجسته‌ترین اصل در قانون اساسی غیر مدون انگلستان است، چنانکه در این کشور هیچ قدرتی وجود ندارد که مصوبات پارلمان را ملغی کند یا بتواند این مصوبات را کنار بگذارد. هیچ دادگاه قانونی نمی‌تواند در معتبر بودن قوانین مصوب پارلمان لحظه‌ای تردید کند.

پرفسور «دیس» معتقد است از اصل حاکمیت پارلمان این نتایج حاصل می‌شود:

۱- پارلمان می‌تواند هر نوع قانونی را که بنخواهد وضع کند.

۲- پارلمان می‌تواند هر نوع قانون موجود را اصلاح یا لغو کند.

۳- در مشروطیت انگلستان فرقی بین قانون اساسی و قوانین عادی وجود ندارد. (۲۳)

تحقق این اصول مستلزم آزادی عمل نمایندگان و به عبارت دیگر برخورداری آنها از مصونیت پارلمانی است.

در انگلستان اصل مصونیت نمایندگان به صراحت در هیچ متن قانونی وجود ندارد، ولی در عمل مصونیتی که از لوازم آزادی بیان است رعایت می‌گردد چنانکه هیچ گونه ادعایی علیه نماینده مجلس به خاطر آنچه در مجلس یا کمیته‌ها گفته یا کتباً اعلام داشته مسموع نمی‌باشد. و همچنین دعوی اهانت علیه نمایندگان پارلمان غیر قابل طرح است در حالی که در قانون اساسی آلمان مصونیت نمایندگان اهانت و توهین را دربر نمی‌گیرد ولو اینکه هنگام انجام وظایف نمایندگی ارتکاب شود.

در انگلستان برای تعقیب نماینده و اجرای مجازات، اجازه رئیس مجلس کافی است و استدلال می‌شود که استقلال قوه قضاییه و قوه مجریه و بی طرفی رئیس مجلس این مصونیت را عملاً تأمین می‌کند و خطر دیگری نماینده را تهدید نمی‌کند تا نیاز به تصریح مصونیت با استحکام بیشتری باشد. (۲۴)

با توجه به اینکه قدرت قانونگذاری مجلس لردها به حدی کاهش یافته است که در حکمرانی ملی تقریباً سهمی ندارد، در شرایط فعلی پارلمان در حقیقت منحصر به مجلس عوام می‌شود و با کمی دقت،

اسلامی تصویب می‌گردد دیگر چه نقشی برای مردم باقی خواهد ماند تا مسأله اتکا به آرای عمومی را بتوان درباره آن به اجرا گذاشت؟ به نظر عده‌ای از متخصصین این فن نفس چنین سؤالی ناخودآگاه پاسخ را تفهیم می‌کند زیرا پذیرش مکتبی بودن نظام و مطابقت همه مقررات و قوانین با نظامات اسلامی از طرف مردم، خود به معنی تکیه به آرای عمومی است. از سوی دیگر انتخاب رهبر و انتخاب خبرگان برای تعیین رهبر و انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و همچنین انتخاب اعضای شوراهای دیگری که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، از موارد اتکا به آرای عمومی می‌باشد. به علاوه قوانین و مقررات کشور و مصوبات مجلس شورای اسلامی و دیگر شوراها، به موارد احکام شرعی که در آنها جنبه‌های الزامی وجود دارد، اختصاص ندارد. بسیاری از مسائل جاری کشور مقدمه موضوعات و مباحثات و اموری است که شرع اسلام نظر خاصی در آن موارد پیش‌بینی نکرده است. در چنین اموری اتکا به آرای عمومی کاملاً صادق و معنی‌دار می‌باشد. (۲۷)

حال در این قسمت، قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به مطالب ذکر شده مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران در یک معنی عمومی و کلی دارای دو رکن اصلی و اساسی است:
۱- مجلس شورای اسلامی مرکب از ۲۷۰ نماینده ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی برای چهار سال انتخاب می‌شوند.

۲- شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر از فقها و حقوقدانان که برای شش سال با ترتیب خاصی به عضویت این شورا در می‌آیند.

بنابراین قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران از مجلس واحدی به نام مجلس شورای اسلامی تشکیل یافته و شورای نگهبان مکمل این مجلس به حساب می‌آید.
در اصل ۷۱ قانون اساسی آمده است،

«مجلس شورای اسلامی می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند»
(این اصل بیانگر یکی از مهمترین وظایف قوه مقننه در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد) در مقابل این اصل این سؤال مطرح می‌شود که مجلس شورای اسلامی اختیار وضع قانون را تا چه حد دارد؟
قانون اساسی در اصل ۷۲ به این سؤال این گونه پاسخ می‌دهد.

«مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»

در جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم که قانونگذاری اولین و اساسی‌ترین وظیفه مجلس شورای اسلامی می‌باشد و علاوه بر این مجلس دارای اختیارات فوق العاده نیز می‌باشد که از اصول ۷۷ تا ۸۳ قانون اساسی به آنها اشاره شده است.

مجلس شورای اسلامی علاوه بر تصویب قوانین، حق نظارت مستمر بر اجرای قانون را نیز دارد. باید توجه شود که همه اصلاحات از طریق قانون انجام گیرد و مأمورین دولت در سطوح مختلف اجرا، وظایف خود را در حدود قانون انجام دهند، قانون اساسی این حق نظارت را به مجلس داده و برای آن ضمانت اجرا هم تعیین کرده تا مجلس بتواند این وظیفه را به نحو مطلوب انجام دهد. به همین خاطر در اصل ۸۶ آمده

باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد.

هر یک از وزیران، مسؤول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسؤول اعمال دیگران نیز می‌باشد. همه وزیران وقتی می‌توانند به کار اجرایی بپردازند که از مجلس رأی اعتماد گرفته باشند، (اصل ۸۷). همچنین نمایندگان مجلس حق تذکر، سؤال و استیضاح دارند و در این موارد تارياست جمهوری نیز سرایت دارد و می‌توانند به دلیل عدم کفایت سیاسی وی را عزل نمایند چنانکه اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی به آن اشاره دارد.

درست است که مسؤولیت فردی و جمعی وزرا در مقابل مجلس با استقلال قوا که در اصل ۵۷ آمده سازگار نیست ولی همانند نظامهای دیگر پارلمانی این مسؤولیت به عنوان مکانیزمی است که می‌تواند قوه مجریه را مهار و از خود سرپهای آن جلوگیری نماید.

البته باید اینجا به این مسأله اشاره نمود که مواردی که در اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی آمده دلیل بر پارلمانی بودن نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیست، زیرا در نظام پارلمانی قوه مجریه حق دارد که پارلمان را منحل کند، ولی از اصل ۶۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین استنباط می‌شود که حق انحلال قوه مقننه به قوه مجریه داده نشده است ولی بر طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عزل رئیس جمهور به علت تخلف از وظیفه‌های قانونی یا «عدم کفایت سیاسی» با حکم دیوان عالی کشور یا رأی مجلس شورای اسلامی، پیش‌بینی شده است. همچنین این نظام، ریاستی نیز نمی‌باشد زیرا چنانکه در توضیح نظامهای ریاستی آمد شخص رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسؤولیت ندارند ولی در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر طبق اصول ۸۸ و ۸۹ رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسؤول هستند.

بنابراین در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران ما شاهد عناصری از هر دو نوع رژیم یعنی پارلمانی و ریاستی هستیم و به تعبیر دیگر می‌توان گفت که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای ماهیتی منحصر به فرد است که هم عناصری از نظام پارلمانی و هم عناصری از نظام ریاستی را شامل می‌شود. با توجه به توضیحاتی که داده شد ملاحظه می‌شود که مکتبی بودن نظام در جمهوری اسلامی ایران به معنای نفی نقش مردم در اداره جامعه نیست و حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه والایی برخوردار است، به عبارت دیگر حاکمیت ملت در قالب حاکمیت موازین اسلامی به شکل خاصی تبلور یافته است. اصل ۵۶ قانون اساسی در این زمینه می‌گوید:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداوند است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع خود یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.»

در واقع اصل مذکور نقطه اتصال حاکمیت توأمان مذهب و مردم است. دو اصل هفتم و هشتم هم در فصل اصول کلی، گویای همین نظر حاکمیت توأم مذهب و ملت می‌باشد. (۳۰)

با توجه به نقش مهم مجلس، که تدوین‌گر قوانین لازم برای اداره جامعه و منعکس کننده اراده ملی می‌باشد، قانون اساسی ما جایگاهی رفیع و قدر و منزلتی ویژه برای مجلس شورای اسلامی قائل است و آن را «عامل مهم استقلال و رشد و آزادی امت اسلامی» می‌داند.

۱۴- ایجاد و حمایت از ارتش.

به نقل از: Alen Schick and Adrienne Pfister, *American Government*, (Boston: Houghton-Mifflin, 1972), pp.140-141.

۹- قاضی، پیشین، ص ۲۷۵.

چنانچه بخواهیم اختیارات کنگره را تقسیم بندی کنیم، از جهتی می توان آن را تحت اختیارات انحصاری (Exclusive Power)، اختیارات متقارن (Concurrent Power)، و اختیارات ضمنی (Implied Power) تقسیم کرد. برای آگاهی بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: عالیۀ ارفعی، «نقش کنگره ایالات متحده امریکا در سیاست خارجی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ص ۳۶-۱۴، پراکنده.

۱۰- ابوالفضل قاضی، *بایسته های حقوق اساسی*، (تهران: انتشارات یلدا، ۱۳۷۳)، ص ۱۸۰.

۱۱- عالیخانی، پیشین، ص ۲۲۴.

برای اطلاع بیشتر از نقش کنگره در این خصوص رجوع کنید به:

John F. Manley, "The Rise of Congress in Forgein Policy Making", *Annals of American Academy of Politics*, NO.337,(1971),PP.60-70

Randoll B.Ripley, *Congress; Process and Policy*, (New York: W.W.Norton, 1985).

Albert SAYS. John Allums, Merritt Pound, *Principle of American Government*, qth edition, (New Jersey: Prentice- Hall, 1982)

۱۲- قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، پیشین، ص ۴۳۳.

۱۳- عالیخانی، پیشین، ص ۲۰۳.

۱۴- لویی بیونس رنجه، فردا چه خواهد شد؟ ترجمۀ علی اکبر کسمایی (تهران: انتشارات مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۰.

۱۵- عالیخانی، پیشین، ص ۲۰۵.

۱۶- همان، ص ۲۲۴.

۱۷- همان، ص ۲۷۳.

۱۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۸ فروردین ۱۳۶۳، ص ۸.

۱۹- عمید زنجانی، پیشین، ص ۱۷۷.

۲۰- سید جلال الدین مدنی، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، (تهران: نشر همراه ۱۳۷۳)، ص ۴۳.

۲۱- عالیخانی، پیشین، ص ۳۰۸.

۲۲- همان، ص ص ۳۲۱-۳۲۰.

۲۳- مدنی، *حقوق اساسی تطبیقی*، پیشین، ص ۱۵۵.

۲۴- عالیخانی، پیشین، ص ۳۳۴.

۲۵- مدنی، *حقوق اساسی تطبیقی*، پیشین، ص ۱۴۹.

۲۶- عمید زنجانی، پیشین، ص ۳۰۱.

۲۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱ فروردین ۱۳۶۳، ص ۱۰.

۲۸- عمید زنجانی، پیشین، ص ص ۲۳۱، ۲۳۲.

۲۹- سید جلال الدین مدنی، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، (تهران: نشر همراه، ۱۳۷۳)، ص ۱۵۹.

۳۰- همان، ص ۱۵۸.

۳۱- همان، ص ۵۶.